

مبانی حفظ محیط زیست در اسلام

دکتر حسین صادقی^۱

دکتر میثم موسایی^۲

چکیده

در این مقاله به دنبال یافتن پاسخی برای دو سؤال هستیم. یکی این که مبانی حفظ محیط زیست در اسلام کدامند؟ دیگر این که مبانی مذکور به کدام یک از دو مکتب زیست محیطی (طبیعی و مطلوبیت گرایان) نزدیک است؟

الف. مقدمه:

امروزه محیط زیست کانون توجه همه اندیشمندانی قرار گرفته است که به رشد و توسعه همه جانبه می اندیشیدند. تخریب بی رویه محیط زیست از جمله تخریب جنگل ها، آلودگی آب و هوا، کاهش لایه ازن، نابودی بسیاری از گونه های گیاهی و جانوری تخریب مراتع و گسترش بی ضابطه شهر نشینی و... تنها بخش کوچکی از نتایج دخالت گسترده انسان در طبیعت است. این معضلات، زندگی انسان را در کره زمین با بحران مواجه کرده و تداوم تخریب بی رویه طبیعت، آینده تاریک تری برای بشر ترسیم می کند.

امروزه جامعه جهانی راه حل معضلات مذکور را حفظ محیط زیست می داند. حضور سران بلند پایه ۱۸۱ کشور جهان در بزرگترین گروههای سازمان ملل متحد به نام کنفرانس محیط زیست و توسعه معروف به کنفرانس سران زمین در سال ۱۹۹۲ بیان گر عمق فاجعه تخریب محیط زیست است، و متفکرین و محققان علوم زیست محیطی با همکاری سیاستمداران و اقتصاددانان راهی را در پیش پای جامعه قرار داده اند که امروزه از آن با عبارت «توسعه پایدار» یاد می شود، و از جانب سازمان ملل به عنوان راهبرد مطلوب نجات طبیعت محسوب می شود. (نوری، ۱۳۷۶). علی رغم همه تلاش هایی که در سطح جهانی برای حفظ محیط زیست صورت می گیرد آهنگ رشد تخریب محیط زیست به هیچ وجه کمتر نشده و همچنان تداوم دارد. چگونه می توان بشر را وادار کرد که برای حیات گیاهان، حیوانات و تعادل طبیعت همان «ارزش حیاتی» را قائل شود که برای خود قائل است. تضمین های اخلاقی و حقوقی برای این که رفتار انسان در رابطه با طبیعت توأم با احترام و حفظ محیط زیست باشد کدامند؟

عده ای از اندیشمندان مذهب را، تنها عامل تضمین کننده حفظ محیط زیست می دانند. رودلف باهرو نظریه پرداز نهضت سبز همه موجودات را بارقه ای از رحمت خدا میدانند. وی رستگاری روحی را مسأله ای مذهبی تلقی نموده و از رحمت الهی می داند، و معتقد است که بشر نیازمند معنویت و روحانیت و

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

تولد عصر طلایی جدیدی است که اصالت را در انسان پرورش دهد (تافلر، ۱۳۷۴). ضرورت گرایش دینی با پایداری و حفظ محیط زیست توسط مادر (mother) نیز یاد آوری شده ولی استدلال میکند، حفظ منابع، ریشه در فلسفه و مذهب دارد. در پژوهش سه مسأله ای که یک هزار دانشمند پیرامون ارتباط دین و زیست بوم در مرکز ادیان جهان در دانشگاه هاروارد آمریکا انجام شده آمده است که ادیان باید از نیروی خود برای پایان دادن به بهره برداری لجام گسیخته انسان از منابع طبیعی و ایجاد روحیه مسئولیت پذیری مشترک برای حفظ محیط زیست استفاده کنند. (شاه ولی وص ۱-۱۰۲، ۱، ۱۳۷۸).

اهمیت استفاده از مذهب در جلوگیری از تخریب محیط زیست در حدی است که عده ای را واداشته تا به تحریر ابعاد گوناگون این ارتباط بپردازند. عده ای اصول اعتقادی و اصول عملی مکتب زیست محیطی اسلام در دو صیغه احکام فردی و حکومتی را ضامن بقای محیط زیست می دانند. (اصغری ص ۱۴، ۱۳۷۸). بیان نشانه های خدا از جمله آب، هوا و خاک در طبیعت و حفظ آن بر اساس مبانی دینی از دیگر مقولات مورد بررسی در ارتباط اسلام و محیط زیست است. (اعجازی، ص ۴۰-۳۰، ۱۳۷۸). عده ای به بررسی سیستمی مواهب طبیعی در آیات الهی پرداخته اند. عده ای اهمیت طبیعت در قرآن را به عنوان اصلی بر حفظ محیط زیست دانسته اند.

اعتقادات دینی ما و شعائر فرهنگی و ملی ما توجه خاصی به حفظ و حراست محیط زیست دارند. در اصل پنجاهم قانون اساسی نیز آمده است: در جمهوری اسلامی ایران حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند. وظیفه عمومی تلقی می شود، و از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر از آن که با آلودگی های محیط زیست، تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا می کند، ممنوع است.

می توان با قاطعیت گفت امروزه کمتر کسی است که به حفظ محیط زیست توجه نکند. حتی مطلوبیت گرایان که طبیعت و محیط زیست را وسیله رشد اقتصادی می دانند نیز برای حفظ رشد بلند مدت، حفظ محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن را ضروری می دانند.

مبنای اخلاقی و حقوقی محکمی برای حفظ محیط زیست باشد، و به نظر می رسد بدون دخالت ارزش ها و عدالت بین نسل ها که از پشتوانه اخلاقی و حقوقی کافی و لازم برای حفظ محیط زیست برخوردار است امکان جلوگیری کامل از تخریب محیط زیست و استفاده اصولی از آن غیر ممکن است. زیرا بدون دخالت ارزش ها نمی توان پشتوانه اخلاقی و حقوقی محکمی برای حفظ محیط زیست ارائه کرد. فرضیه مقاله حاضر این است که مجموعه تعالیم دینی در اسلام مبنای قابل اعتماد و محکمی در زمینه های اخلاقی و حقوقی برای حفظ محیط زیست ارائه می کند و رعایت احکام اسلامی تضمین کننده محیط زیست است.

لذا در مقاله حاضر به این سؤال اساسی پاسخ داده می شود که مبانی حفظ محیط زیست در اسلام چیست؟ و آیا توجه به مبانی مذکور به مکتب طبیعت گرایان نزدیک است یا به مکتب اقتصاديون که مبتنی بر

مطلوبیت صرف است؛ قبل از این که به سؤالات مذکور پاسخ دهیم ابتدا اشاره ای خواهیم داشت به یک سری از احکام اخلاقی و تقمی اسلام در حفظ محیط زیست.

ب. اهمیت حفظ محیط زیست در اسلام.

به ترتیب در اینجا پیرامون ارتباط دعوت به آباد کردن زمین، مسئولیت انسان، دعوت به پاکیزگی، منع اسراف، شکرگزاری، منع اهرار، رعایت حقوق سایر موجودات با محیط زیست اشاره شده است.

۱- در قرآن آمده است: «هو انتأ کم من الارض و استعمر کم فیما» او شما را از زمین آفرید و آباد کردن را به شما واگذار کرد. (هود/ ۶۱).

این آیه دلالت بر این امر دارد که نه فقط تخریب محیط زیست انسان و حیوانات و گیاهان بر خلاف مأموریتی است که به انسان واگذار شده بلکه انسان موظف است در ارتقای سطح کیفی و کمی آن نیز کوشا باشد. پیامبر اسلام فرموده است که هر کس که درختی بنشانند خداوند به اندازه میوه های آن درخت به او پاداش می دهد. و نیز فرموده است که هر کس زمین مرده ای را احیا کند از آن اوست.

۲- از دیدگاه اسلامی انسان در مقابل نعمت های الهی مسئول است. حضرت امیر (ع) می فرماید: «اتقو الله فی عبادة و بلادة فانکم مسئولون فی البقاع و البهائم» از خدا پروا داشته باشید در مورد بندگان و سرزمین هایش زیرا از شما حتی در مورد بقعه ها یا نقاط زمین و حیوانات سؤال خواهد شد. معمولاً سؤال از چیزی است که قابل تعلق تکلیف باشد و آن آباد ساختن و آباد نگه داشتن زمین و ویران نساختن آن است. اگر تباہ ساختن حرث و نسل حرام است و اگر از انسان راجع به بقاع و بهایم سؤال می شود پس باید از ریختن زباله و از آلودگی دریا، آلودگی هوا، آلودگی خاک و هر کاری که مایه تباہی و نابودی حیات گیاه و حیوان و انسان می شود اجتناب نمود.

۳- در قرآن از انسان دعوت شده که از غذای طیب (پاکیزه) مصرف کند (غافر آیه ۶۴). پیامبر اسلام (ص) می فرماید که نظافت جزئی از ایمان است. امام صادق (ع) می فرماید: آدمی باید طوری زندگی کند که پیرامون خود را آلوده نکند زیرا اگر آلوده نماید روزی می آید که بر اثر آلودگی، زندگی بر او دشوار و شاید غیر ممکن شود. (صحفی ج ۴ ص ۷۵). الهام گرفتن مسلمانان از تعالیم اسلامی در گذشته باعث شده بود که بر بیشتر شهرهای اسلامی شبکه زهکشی جداگانه ای برای آب، باران، پساب خانه ها وجود داشته باشد صنایع دودزا تا حد ممکن از مکان هایی چون نانوائی، آسیاب و حمام دور نگه داشته می شدند، و پیشه هایی از این قبیل به خارج از شهر انتقال می یافتند. صرفه جویی در مصرف مصالح و استفاده بهینه از مواد ساختمانی ریشه در توصیه های مکرر و مؤکد قرآن کریم و پیامبر (ص) در پرهیز از اسراف و بیهودگی دارد. سر بردن حیوانات در جلوی مغازه ها ممنوع بود و ریختن هر نوع زباله و حتی آب پاشیدن بیش از حد در معابر عمومی مورد بازخواست قرار می گرفت.

۴- اسراف به معنای ریخت وپاش کمی منابع و تبذیر به معنای ریخت و پاش کیفی منابع است. هرگاه اسراف یا تبذیر، جداگانه ذکر شوند هر کدام هم بر ریخت و پاش کمی و هم کیفی دلالت دارند، وقتی با هم ذکر شوند هر کدام معنای خاص خود را خواهد داشت. اسراف و تبذیر هم در منابع و عوامل مطرح است و هم در کالاها و خدمات. مصرف بیش از حد اعتدال و متعارف، اسراف و تبذیر تلقی میشود. اگر از نهادها به گونه ای استفاده شود که بازدهی نهایی آنها به صفر برسد و یا اگر مصرف کالا و خدماتی در حدی باشد که مطلوبیت واحدهای آخر به صفر برسد اسراف به بالاترین حد خود یعنی اتلاف می رسد. در واقع اتلاف آخرین حد اسراف است. در قرآن کریم اسراف و تبذیر منع شده در حالی که استفاده صحیح از منابع و نعمت های الهی توصیه شده است. کلووا واشربوا و لا تسرفوا (اعراف / ۷). و لا تبذروا ان المبذرين كانوا اخوان الشياطين (اسراء / ۱۷). نتیجه عدم اسراف و تبذیر حفظ منابع و حفاظت از نعمت های الهی و استفاده صحیح از آنان است. اسراف در واقع نوعی تجاوز و طغیان در مصرف است. خداوند می فرماید: «کلووا من طیبات ما رزقناکم و لاتطغوا فیه». از چیزهای پاکیزه ای که روزی شما کردیم بخورید و از حد نگذرید. (طه / ۸).

۵- شکر به معنای استفاده صحیح از نعمت های الهی است. در آیات متعددی انسان دعوت به شکر گزاری شده است. در سوره ابراهیم آمده است که اگر شکر گزار باشید خداوند نعمت های خود را بر شما زیاد خواهد کرد ولی اگر شکر گزار نباشید و کفران نعمت کنید. عذاب خداوند شدید است. (ابراهیم، آیه ۱۴).

۶- در اسلام هر فعالیت مشروعی که در شرایط عادی متضمن ضرر به دیگران نباشد ولی به لحاظ شرایط خاص موجب ضرر و زیان به خود یا جامعه گردد ممنوع است. این قاعده تحت عنوان قاعده لا ضرر مورد پذیرش همه فقهای تشیع تسنن است بر اساس این قاعده چون عدم حفاظت از منابع طبیعی و استفاده تخریب آمیز از آن باعث ضرر و زیان به نسل حاضر و نسل های آینده است. لذا این گونه استفاده ها باید ممنوع گردند.

۷- در اسلام درست است که همه موجودات برای کمال انسان خلق شده اند اما خود نیز دارای کمال می باشند و استفاده از آنها محدود و مشروط است. لذا در قرآن کریم و آیات و تعالیم دینی حیوانات دارای جایگاه ارزشی خاصی هستند، اینکه پرندگان لشکر خدایند (فیل، ۳ و ۴). این که پرندگان مشاور و راهنمای پیغمبران بوده اند (نمل / ۲۳) این که خداوند بر زنبور عسل وحی کرده است (نمل / ۶۸) این که تمام موجودات عالم اعم از کوه ها و پرندگان و زمین و تمام جانداران تسبیح گوی خدا هستند. (انبیا / ۳۲، حج / ۱۸ و رحمن / ۶). این که کوه ها و پرندگان با حضرت داود (ع) هم آواز و هم نوا بودند (سباء / ۱۰) این که درخت واسطه صحبت میان خدا و حضرت موسی (ع) قرار گرفته (قصص / ۳۰) و این که دریا، خوان گسترده نعمت های الهی است (نحل / ۱۴) و... همه جایگاه والای ارزشی عوامل طبیعی و موجودات زنده را نشان می دهد و این که رفتار انسان با طبیعت باید در چارچوب قواعد تعریف شده ای صورت گیرد لذا از حضرت پیامبر نقل شده که فرمود: زنبور عسل را نکشید، به صورت چهار پایان تازیانه نزنید (وسائل ۹۶۰

ص ۳۵۳ حدیث) با حیوانات با عدالت رفتار کنید (همان ج ۹ ص ۳۹۴) و تا جایی که کشتن چار پایان از گناهان زشت است. (همان ج ۹ ص ۳۹۱ حدیث ۲).

ج- مبنای فقهی - اخلاقی حفظ محیط زیست

- ۱- زمین و آنچه در آن است به صورت امانت در اختیار انسان است. انسان باید مطابق مقررات امانت داری با آن رفتار کند. اقتضای رعایت امانت، استفاده صحیح (بدون افراط و تفریط) از طبیعت است؛
- ۲- انسان در مقابل سایر انسانها (حتی نسل های آینده) و در مقابل مواهب طبیعی مسئول است. لذا استفاده او نمی تواند تخریب آمیز باشد. چون باید پاسخ گو باشد؛
- ۳- زمین و آنچه در آن است فقط متعلق به نسل حاضر نیست. نسل های آینده هم در آن سهم اند و لازمه حفظ حقوق آیندگان استفاده اصولی از منابع و عدم تخریب محیط زیست است؛
- ۴- حقوقی که اسلام برای سایر موجودات زنده و غیر زنده غیر از انسان قائل است با تخریب منابع و استفاده اسراف گونه از طبیعت مغایرت دارد؛
- ۵- مأموریت انسان در آباد کردن زمین ایجاب می کند نه فقط استفاده و بهره برداری انسان از طبیعت نباید تخریب آمیز باشد بلکه باید تلاش کند بر کمیت و کیفیت محیط زیست از طریق آباد کردن آن بیفزاید؛
- ۶- رعایت برخی از اصول اسلامی نظیر اصل عدم اسراف، عدم اتلاف و تسبیب، شکر و استفاده بهینه از منابع، دعوت به درخت کاری، منع قطع درختان و گیاهان، منع آزار حیوانات و منع کشتن آنها، تلاش جهت حفظ نظافت و پاکیزگی و منع آلودگی محیط زیست همه توجه های خاصی است که به حفظ محیط زیست و ارتقاء سطح کمی و کیفی آن کمک می کنند.
- ۷- اصل لاضرر می تواند یکی از مبناهای اساسی برای حفظ محیط زیست باشد. بهره برداری هایی که در گذشته از منابع طبیعی صورت میگرفت. به علت پایین بودن سطح تکنولوژی تخریب آمیز نبوده ولی در عصر حاضر هم جمعیت افزایش یافته و هم به دلیل تکنولوژی بالاتر، امکان استفاده تخریب آمیز و انحصار گونه از طبیعت افزایش یافته است. در چنین شرایطی طبق اصل لاضرر می توان بهره برداری از طبیعت را محدود کرد.

مقایسه اسلام و دیگر مکاتب در محیط زیست

لازم به توضیح است که دو مکتب حاد در ارتباط با محیط زیست وجود دارد: یکی اقتصاديون و دیگری طبیعیون در دید اقتصاديون طبیعت و محیط زیست به طور خلاصه ابزار است و وسیله ای است در اختیار انسان. انسان باید به گونه ای از آن استفاده کند که مطلوبیتش حداکثر شود در این دیدگاه افزایش رشد اقتصادی هدف اصلی است. و طبیعت بالذات دارای ارزش نیست بلکه اگر در جهت حفظ محیط زیست

تلاش می شود به منظور تضمین رشد بلند مدت می باشد. در این دیدگاه مطلوبیت سرانه یا مصرف سرانه در طول زمان (و حداکثر بین چند نسل) باید حداکثر گردد.

در دیدگاه طبیعیون طبیعت خود با لذات اصالت داد. همان طوری که انسان حق حیات دارد سایر موجودات زنده (اعم از حیوان و انسان) نیز حق حیات داد. در این دیدگاه انسان باید کمترین دخالت را در طبیعت کند. چون چنین حقی را ندارد.

دیدگاه اسلام به کدام یک از دو دیدگاه مذکور نزدیک است. برخی از متون اسلامی نظر اول را تأیید می کند و برخی نظر دوم را. از جمله نصوصی که مؤید نظر اول است عبارت است از:

۱- این که طبیعت مسخر انسان است. (ر. ک به: آیات ۱۶۴ سوره بقره و ۳۲ سوره ابراهیم، ۱۴ سوره نحل، ۶۶ و ۷۰ سوره حج، ۱۲-۱۳ جاثیه، ۱۲ سوره فاطر، ۴۶ سوره روم، ۲ سوره رعد و ۲۰ سوره لقمان) گفته شده منظور از تسخیر این است که این امور طوری آفریده شده اند که رام انسان و مورد استفاده و بهره برداری انسان هستند. استفاده به منظور رفع نیازهای فیزیولوژیک، بهره گیری روحی، الهام گیری از طبیعت از جمله جلوه های این تسخیر می باشد.

۲- این که خداوند زمین و آنچه در آن است را برای انسان آفریده است و اصولاً گفته می شود هدف خلقت کمال انسان است و این نعمت ها به منظور ایجاد زمینه برای کمال انسان آفریده شده است.

۳- این که انسان حق بهره برداری از طبیعت دارد. کلا من طیبات ما رزقنا کم و لا تطغوا فیه (طه/۸۱) از چیزهای پاک که روزی شما کردیم بخورید و از حد نگذرید. (سرکشی نکنید). صید و استفاده از موجودات زنده به عنوان خوراک و نیز استفاده از گیاهان برای نیازهای خوراکی و دارویی در چهارچوب ضوابط اسلامی حلال و مباح است.

ذکر نصوص و متون دینی که مؤید سه مسئله مذکور است از حد این مقاله خارج است. اما مواردی

از نصوص دینی که به نظر طبیعت گرایان نزدیک تر است:

۱- این که موجودات دیگر نیز کمال دارند و تسبیح گوی خدایند. در این رابطه در قرآن آمده است یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض (حشر/ ۵۹) یعنی آنچه در زمین و آسمان است تسبیح گوی خدایند. در این مورد حضرت علی (ع) می فرماید: آواز خروس نماز خواندن اوست و بال زدنش، رکوع و سجود آن (وسایل الشیعه ج ۹ ص ۳۸۳ حدیث ۱) یا این آیه قرآنی که می فرماید: وانجم والشجر یسجدان (رحمن/ ۶) یعنی ستارگان و درختان در مقابل خداوند سجده می کنند؛

۲- قائل شدن حقوق برای طبیعت و سایر موجودات زنده؛

حقوقی که برای حیوانات در اسلام وضع شده، حقوقی که برای استفاده بهینه و اصولی و صحیح از منابع داده شده و... از جمله این حقوق است که نشانگر این است که طبیعت هم حقوقی دارد که باید از ناحیه انسان رعایت گردد. مثلاً پیامبر (ص) می فرماید: اگر کسی پرده ای را بدون جهت بکشد روز قیامت آن پرده شکایت می کند (گلستان معارف ج ۲ ص ۱۷۵)؛

در آیات متعددی از قرآن پدیده های طبیعی نام برده شده و آنها را به عنوان آیات الهی معرفی کرده است؛ کوه محل تجلی پروردگار است. (اعراف / ۱۴۳). آیا آنها به پرندگانی که برفراز آسمانها حرکت می کنند نمی نگرند. در این مسئله نشانه هایی است که از عظمت و قدرت خداوند برای اهل ایمان است. (نمل / ۷۹)؛ ۴- زینت داشتن درختان و گیاهان و انسان، منع شکار برای سرگرمی، دعوت انسان به زندگی مسالمت آمیز با حیوانات به طوری که در حکومت حضرت سلیمان این گونه بود [جمله مرغان ترک کرده جیک جیک- با سلیمان گشته افصح من افیک (مثنوی معنوی ص ۵۶)] وحی به سایر موجودات از جمله زنبور عسل و ... همه به دیدگاه دوم که دیدگاه طبیعیون است نزدیک است.

تأمل در آیات و نصوص دینی روشن می سازد که اسلام نه طرفدار مکتب مطلوبیت گرایان است نه طبیعت گرایان. اگر اسلام طرفدار طبیعت گرایان بود نمی گفت طبیعت مسخر انسان است و انسان حق بهره برداری از آن را دارد، و انسان را مالک زمین معرفی نمی کرد، و نباید گفته می شد همه موجودات را خداوند برای انسان کامل خلق کرده است. اما دیدگاه اسلام با مطلوبیت گرایان نیز سازگار نیست. زیرا برای سایر موجودات نیز کمال و تسبیح و حمد قائل شده و آنها را نشانه های الهی دانسته و برای آنها حقوقی وضع کرده است. لذا نمی توان گفت که آنها ابزار صرف هستند برای کمال انسان و خود کمالی ندارند. اسلام در عین حال که اجازه تسخیر و بهره برداری از طبیعت را به انسان داده و او را امانت دار قرار داده و از او خواسته تا مطابق با خواسته صاحب امانت رفتار کند، و همان گونه که انسان کمالی دارد سایر موجودات هم کمال دارند. نابودی محیط زیست مخالف با هدفی است که خداوند از خلقت آنها اراده کرده است. لذا می توان گفت طبیعت گرچه با لذات و جدای از انسان اصالت ندارد ولی برای خود کمال دارد چرا که آنها نیز همچون انسان از آیات و نشانه های الهی هستند. پس اسلام در ارتباط انسان با طبیعت گرایان توصیه نمی کند که اصلاً در طبیعت دخالت نکنید. بلکه انسان را در مقابل طبیعت مسئول معرفی می کند و از او می خواهد که در چارچوب و ضوابط کلی در متون دینی آمده رفتار نماید و این یک مکتب زیست محیطی مستقلی است. که نه می توان آن را همانند مکتب زیست محیطی طبیعیون دانست که بر حداقل دخالت در طبیعت استوار است و نه می توان آن را مانند مکتب زیست محیطی اقتصاديون دانست که بر مطلوبیت صرف در استفاده حداکثر از طبیعت استوار است.

منابع و مأخذ:

- ۱- القرآن الکریم؛
- ۲- اصغری لقمجانی، صادق، (۱۳۷۸)، تحلیلی بر مباحث زیست محیطی اسلام، مجموعه مقالات سمینار اسلام و محیط زیست
- ۳- اعجازی، علیرضا، (۱۳۷۸)، نشانه های خدا در طبیعت، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست، تهران؛
- ۴- باقری، اشرف السادات، (۱۳۷۸)، محیط زیست و اهمیت آن در اسلام، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست
- ۵- تانلر، الوین، (۱۳۷۴)، جابه جایی قدرت، ترجمه شهندخت خوارزمی، نشر سیمرغ، تهران؛
- ۶- جمالی زاده فلاح، فریبرز، (۱۳۷۸)، بررسی سیستمی مواهب طبیعی در برگهای سبز الهی، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست
- ۷- جی بی، سیلر، (۱۳۶۹)، زیستن در محیط زیست، ترجمه مجید مخدوم، دانشگاه تهران؛
- ۸- حسنی، علی جان، (۱۳۷۸)، رفتار با عناصر محیط زیست از نظر اسلام، مجموعه مقالات؛ اولین همایش اسلام و محیط زیست.
- ۹- رستمی، محمد حسن، (۱۳۷۸)، تأثیر محیط زیست بر تن و روان آدمی؛ مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست
- ۱۰- شاه ولی وکاوری، منصور و باسم، (۱۳۷۸)، گفتمان پایداری محیط زیست بین پراگماتیسم و دین اسلام، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست
- ۱۱- شفیعی مازندرانی، سید محمد، تأثیر محیط زیست بر انسان از دیدگاه اسلام، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست
- ۱۲- نوری، علی اصغر، (۱۳۷۶) مطالعه آثار بر محیط زیست در استان کرمانشاه با استفاده از مدل تخریب، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده کرج؛
- ۱۳- محمدی فاضلی، اصغر، (۱۳۷۸)، تعالیم الهی، گفتگوی تمدن ها و حفاظت از تنوع زیستی، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست
- 14- Shwli. Mm(19,4) Componet Anaklsis of farmer and grazier pecistionss and Aeeivds in the local govermont shires now stoth wdel- Arstrialia. PHD. Thesis, rtivestiy of nesoth woles Australia.